

دارالتأدیبی در شهربازی:

نقدی بر جایگاه تخیل در سینمای کودک

چکیده

در آثار سینمایی مربوط به حوزهٔ کودکان، الگویی مکرر در ساختمایهٔ آثار وجود دارد که الگوی تکرارشونده است. به نظر می‌رسد این الگو بر ضد ماهیت فیلم کودک عمل می‌کند و به جای اینکه عنصر تخیل را در جهت آزادی، رهایی، و میل به مکاشفه در ذهن کودکان نهادینه کند، برعکس، مایهٔ آزردهی خاطر و وحشت کودکان از خیال‌پردازی می‌شود. در پژوهش حاضر، ضمن بررسی مقولهٔ کودکی، نقش تربیتی آثار کودک، و جایگاه تخیل در فیلم کودک، مراحلی که قهرمان کودک در فیلم طی می‌کند تا تنش اولیه را خنثی کند، به تصویر کشیده شده است. به این منظور، جایگاه تخیل در آثار منتخب سینمای کودک از پیش از انقلاب ۱۳۵۷ تا دههٔ ۹۰ بررسی شده و الگوی تخیل به کاررفته در این آثار برجسته شده است. معیار انتخاب فیلم‌ها این بوده است که پس از تنش اولیهٔ قهرمان در فیلم، عنصری از عالم تخیل، مثل جهانی دیگر یا موجودی خیالی، به جهان کودک وارد شود و تجربه‌ای را همراه با سفر قهرمانی برای او رقم بزند. این ورود و خروج قهرمان به عالم خیال در فیلم از الگویی تبعیت می‌کند. این الگو، که علت اصلی آن، هدف تربیتی فیلم‌سازان است، مانع آن می‌شود که کودکان بدون واکنش از آنچه به مثابهٔ خیال‌پردازی به آنها معرفی می‌شود، به تماشای اثری بپردازند که برای آنها تولید شده است. پژوهش حاضر، با برجسته کردن این الگو، که شامل «تنش اولیه، جست‌وجوی راه‌حل، و بازگشت با پشیمانی به حالت اولیه» است، تخیل به منزلهٔ دارالتأدیبی که در شهربازی بنا شده باشد، پیش روی کودکان تصویر می‌شود. با اینکه این الگو در همهٔ دنیا پذیرفته شده و به نظر رسیده که به کودک کمک می‌کند تا با جهان واقعی سازگار شود، براساس الگوی سفر قهرمان، بازگشت قهرمان در ساختار فیلم کودک، «بازگشت با اکسیر» نیست. قهرمان کودک پس از طی مراحلی که پیش روی او قرار دارد، در نهایت، چنان به نقطهٔ آرامش بازمی‌گردد که گویی اصلاً سفری در کار نبوده است! تنها حاصل سفر کذایی او پشیمانی است. این الگو، جایگاه تخیل را در فیلم کودک متزلزل کرده و کودک را از خیال‌ورزی رهایی‌بخش بازمی‌دارد.

کلیدواژه‌ها: فیلم کودک، تخیل، الگوی مکرر، سفر قهرمان، بازگشت بدون اکسیر.

A Penitentiary in Amusement Park: a critique on the place of Fantasy in children's cinema

In the cinematographic works related to the field of children, a special tendency can be seen among the directors, which has become a repetitive pattern in the production of all works. This repetitive pattern works against the nature of the children's movies, and instead of institutionalizing the element of fantasy for the purpose of freedom, liberation, and the desire for revelation in children's minds, it becomes the source of children's annoyance and fear of fantasy. In the current research, while examining the category of childhood, the educational role of children's works, and the place of fantasy in children's movies, the steps that the child hero goes through in the movie to neutralize the initial tension are depicted. To do so, the place of fantasy in selected works of children's movies from before the revolution of 1357 to the 1990s was investigated and the model of fantasy used in these works was highlighted and depicted. The criteria for selecting the movies have been that after the initial tension of the hero in the movie, an element of the world of fantasy, such as another world or an imaginary creature, enters the child's world and creates an experience for the child along with the hero's journey. This entry and exit of the hero to the fantasy world follows a pattern in Iranian movies. This pattern, the main cause of which is the educational goal of the filmmakers, prevents children from watching a work produced for them without fear of what is presented to them as fantasy. By highlighting this pattern, which includes "initial tension, searching for a solution, and returning with regret to the original state", the present research depicts fantasy as a penitentiary which is built in amusement park. Although this pattern is accepted all over the world, and seems to help the child to adapt to the real world, but, based on the hero's journey model, the hero's return in the children's movie structure is not a "return with elixir". After going through the steps that are in front of him, the child hero finally returns to the point of peace as if there were no journey at all! The only result of his so-called trip is that "it was better not to go on a trip". This pattern has shaken the place of fantasy in children's movies and prevents them from liberating fantasy.

Keywords: Children's Movies, Fantasy, Repetitive Pattern, Hero's Journey, Return without Elixir.

۱. مقدمه

«ساده‌ترین تعریف تخیل این است: توانایی شخص در به‌وجود آوردن تصاویری که فارغ از چگونگی و وضعیت، نمی‌توانند واقعی باشند؛ زیرا انسان متخیل می‌خواهد ترکیب و ساختار واقعیت را تغییر دهد» (جهان‌دیده، ۱۳۸۶-۱۳۸۷: ۱۴۲). تغییری که انسان دوست دارد در ساختار واقعیت اعمال کند، در جهت احساس‌رهایی از وضع موجود و پناه‌بردن به وضعیتی بهتر است. اگر تخیل درست هدایت شود، ممکن است رهایی‌بخشی خیال به عالم واقع هم راه پیدا کند و راه‌حلی برای وضعیت حاضر ارائه دهد. اما گویا در عمل چنین نیست.

در آثار مربوط به گروه سنی کودکان، گرایش پدیدآورندگان به نقب‌زدن به جهان خیال هویدا است. کمتر دیده می‌شود که اثری برای کودکان تولید شود، اما از عناصر خیال‌انگیز بی‌بهره باشد. گویی جهان کودک با خیال پیوند خورده است. کودک به سبب کم‌تجربگی در زندگی، با قواعد جهان واقعی آشنا نیست و از این‌رو همیشه درباره آن پرسش می‌کند. پرسش‌هایی که گاه از فرط سادگی، بزرگ‌ترها پاسخی برای آنها پیدا نمی‌کنند. اما خیال‌ورزی کودکانه با آنچه بزرگ‌ترها برای کودکان تصویر می‌کنند تفاوت‌های ژرفی دارد. بخشی از این تفاوت به رویکرد بزرگسالان به جهان خیال بازمی‌گردد. از منظر بزرگ‌ترها، آثار مرتبط با کودکان باید هدفی داشته باشد و زیبایی به‌تنهایی کفایت نمی‌کند. اما این هدف، اغلب کودکانه نیست. غلبه نگاه سطحی و آموزشی در آثاری که برای کودکان تولید می‌شود، چه در سطح ادبیات و چه در سینما، عامل مهم بی‌میلی کودکان به این عرصه‌هاست. کودک همان بزرگسال قد‌کوتاه نیست که به او گفته شود دروغ بد است یا باید با دوستانش همکاری کند. برای ساختن اثری مناسب کودک، باید «ساختار ذهنی او و نیز تجربه او از زندگی» (محمودی، ۱۳۷۸: ۲۲۵) را کاملاً پیش نظر داشت.

هم مقوله «کودکی» و هم «کودکان»، سازه‌هایی اجتماعی‌ای هستند که تعیین حدود و ثغور آنها جز به‌دست اوضاع اجتماعی صورت نمی‌گیرد که در فرهنگ‌های مختلف هم با یکدیگر متفاوت‌اند. در نتیجه، مقوله‌های مرتبط با کودک، مثل ادبیات کودک و سینمای کودک، خیالی است و به نظامی ارجاع دارد که بزرگ‌ترها ساخته‌اند و خود آنها به آن نظام ارجاع می‌دهند و میزان ارزش آن را نیز تعیین می‌کنند (رک: زاپیس، ۱۳۷۸: ۲۶۱-۲۶۲).

رابطه بزرگسال با کودک در این فرآیند، از نوع رابطه‌ای است که استعمارگران با ملت‌های تحت استعمار خود دارند. کودکان، علی‌رغم تبلیغات فریبنده، هرگز مگر در تخیلات خود آزاد نیستند. بزرگ‌ترها، با اجرای تصمیم‌هایشان برای ساختن و نمایش فیلم به کودک، سهم خود را از دنیای بی‌مرز تخیلات او طلب می‌کنند و می‌کوشند این آخرین

سنگر مقاومت آنان را نیز به تصرف درآورند. نظیر آنچه درباب ادبیات کودک گفته‌اند، سینمای کودک نیز راهی برای استعمار و تخریب کودک است (رز، ۱۳۸۷: ۱۹۷).

برخی صاحب‌نظران اساساً از «امکان» یا «امتناع» مقوله ادبیات کودکان سخن گفته‌اند؛ به این معنا که امکان این امر را که بزرگسالان بتوانند اثری برای کودک پدید آورند زیر سؤال برده‌اند. ژاکلین رز می‌نویسد: «به یک معنا، هیچ نوع ادبیاتی نیست که به صراحت بر تفاوتی پذیرفته شده، گسستی که بین نویسنده و مخاطب وجود دارد، تکیه کند. [درحالی‌که] داستان کودکان مخاطب خود را بیگانه‌ای در نظر می‌گیرد که بی‌شرمانه می‌کوشد او را به داخل بازی بکشد» (Rose, 1998: 59). رز کمی بعدتر اعلام می‌کند: «در پس پشت مقوله "ادبیات کودک" هیچ کودکی نیست، مگر آن کودکی که خود مقوله او را در آن گروه جای دهد. آن کودکی که خود دسته‌بندی ادبیات کودک نیاز دارد به خاطر اهداف خودش به حضور او باور داشته باشد» (Ibid, 65).

بزرگ‌ترها از هر فرصتی برای «آموزش» به کودکان استفاده می‌کنند. درست به همین دلیل جدایی جهان کودک از جهان بزرگسالان، تخیلی که آنها به تصویر می‌کشند، نسبتی با دنیای کودکان ندارد و تنها محمل ارزش‌های دنیای بزرگ‌ترهاست. بزرگ‌ترها گمان می‌برند که می‌توانند جهان کودکان را تصرف کنند و تخیل را همچون دالانی مخفی به کار بگیرند که از آنجا می‌توان به ذهن کودک راه جست و مدرسه‌ای در آن بنا کرد. احتمال اینکه ساخت این مدرسه با استقبال کودکان روبه‌رو شود فراوان است. اما، اثری که تجربه چنین تخیلی در ذهن کودک بر جا می‌گذارد، در آینده پای او را از دنیای خیال قطع می‌کند. ادبیات کودک و فیلم کودک جهان‌هایی است که دست تصرف بزرگ‌ترها در آنها باز است و آنها با استفاده از سلطه‌شان بر سرزمین رؤیایها، قصد دارند تخیل کودک را به نفع محکم کردن جایگاه خودشان مصادره کنند. اگر این کار فقط با نیت نجیبانه آموزش کودکان صورت می‌گرفت، می‌شد توجیهی برای آن پیدا کرد، اما مشکل وقتی خود را نشان می‌دهد که تخیل به ابزاری در دست بزرگ‌ترها تبدیل می‌شود تا در خدمت تداوم سلطه بزرگ‌ترها و القای فکر همه‌چیزدانی آنها به بچه‌ها باشد. ترسیم عواقب شوم نافرمانی از بزرگ‌ترها در قالب خیالی که صورتی معصومانه دارد، اما بعداً چهره کریهش را نشان می‌دهد، هدف بزرگ‌ترها از کشیدن کودکان به جهان خیال است. هدفی که به هیچ‌وجه معصومانه نیست و پایگاه تخیل را به عنوان عنصری رهایی‌بخش در آینده کودکان متزلزل می‌سازد. اگر اثری، در ضمن آموزش قربانی نکند، توفیق بزرگی حاصل کرده است. کودک، پیش از هر چیز، در پی لذت است و تا لذتی کسب نکند، توجیهی به آنچه به او عرضه می‌شود نشان نمی‌دهد (Collie and Slater, 1987: 26-28). اگر هم آموزشی در ضمن اثر القا می‌شود، لزوماً باید پیچیده در لفافه هنر و کاملاً غیرمستقیم باشد و جنبه‌های هنری اثر باید بر جنبه‌های آموزشی آن بچربد. سیطره دیدگاه آموزش‌محور در عرصه کودکی، باعث

شکل‌گیری تقابل «بالغ-نادان» می‌شود و کودک را بزرگسالی کردن به تصویر می‌کشد که در توانایی‌های او نقصی وجود دارد.

۱.۱. پیشینه تحقیق

پژوهش‌هایی که تاکنون در باب سینمای کودک انجام شده‌اند بسیارند. این دسته پژوهش‌ها را می‌توان به چند گروه تقسیم کرد: گروه اول، آثاری که به نقد برخی فیلم‌ها پرداخته‌اند؛ گروه دوم، آثاری هستند که به جایگاه تعلیم و تربیت در سینما پرداخته‌اند؛ در گروه سوم، موضوعات گوناگون در سینمای کودک ایران بررسی شده است. در گروه چهارم، بایدونبایدهای سینمای کودک بررسی شده است؛ گروه‌های دیگر را می‌توان به آسیب‌شناسی سینمای کودک، و اهداف و چشم‌اندازهای این سینما اختصاص داد، اما مرتبط‌ترین آثار با پژوهش حاضر، کتاب‌هایی است که از منظر نقد فیلم‌های کودک و نیز مسائل مربوط به فیلم‌نامه‌نویسی به سینمای کودک نگریسته‌اند. برخی از این آثار به قرار ذیل‌اند:

مژدا مرادعباسی در کتاب *رؤیاهاتواز دست نده* (۱۳۹۱)، که بررسی سینمای کودک و نوجوان محمدعلی طالبی است، تلاش کرده است مسیر سینمای کودک را ترسیم کند. این کتاب از روشمندی بی‌بهره است. در فصل اول کوشیده است سینمای کودک و نوجوان ایران را با سینمای هالیوود مقایسه کند و در فصل بعد با طالبی و نویسنده برخی فیلمنامه‌های او، هوشنگ مرادی کرمانی، مصاحبه کرده است.

گزارش یک نظر سنجی، که برترین آثار مربوط به سابقه چهار ساله سینمای کودک و نوجوان ایران را به انتخاب انجمن نویسندگان و منتقدان سینما منتشر کرده است (۱۳۹۷)، بهترین فیلم‌های این ژانر سینمایی را در بخش‌های مختلف معرفی کرده است که شامل بهترین فیلمنامه، بهترین کارگردان، بهترین بازیگران دختر و پسر کودک و نوجوان، بهترین فیلم کودک، و بهترین فیلم نوجوان است.

کتاب *آسیب‌شناسی سینمای کودک و نوجوان* (۱۳۸۷) که در آن امیر فرض‌اللهی با اهالی سینما گفت‌وگو کرده و نقاط قوت و ضعف انگاره‌های حاکم بر ذهن متولیان سینمای کودک بررسی شده است، اما به مبحث مورد نظر این پژوهش پرداخته است.

کتاب *تأثیر سینما در کودکان و نوجوانان* (۱۳۴۵) که در آن بررسی روان‌شناختی در موضوع کتاب صورت گرفته است، اما تا حدود جست‌وجوی نگارنده، هیچ‌یک از پژوهش‌ها از منظر مورد تحقیق این پژوهش به سینمای کودک نگریسته‌اند.

۲.۱. پرسش‌های پژوهش